

نقش هوش هیجانی بر سازگاری و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۵ / بهار ۱۳۹۸ / ص ۵۳-۷۱

سیاوش حاتموند^۱، صدیقه اسلامی^۲

^۱ کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه پیام نور

^۲ استادیار مدیریت ورزشی دانشگاه پیام نور

نام نویسنده مسئول:

صدیقه اسلامی

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی تاثیر هوش هیجانی بر سازگاری و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب شرکت کننده در مسابقات لیگ جهانی والیبال در سال ۱۳۹۵ بوده است. روش تحقیق توصیفی- همبستگی و از نظر هدف جزء تحقیقات کاربردی است می باشد. جامعه آماری تحقیق بر اساس آمار فدراسیون والیبال به طور تقریبی ۱۰۰۰ نفر در نظر گرفته شد و نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران ۲۱۱ نفر در نظر گرفته شد. ابزار جمع آوری داده ها برای این تحقیق پرسشنامه است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از آماره های توصیفی، نمای کلی متغیرها گزارش شده و از آزمون های آماری رگرسیون و همبستگی بهره گرفته شد. با توجه به نتایج به دست آمده می توان گفت که متغیر هوش هیجانی و شاخص های مرتبط با آن یعنی، خودتنظیمی، همدلی و مهارت های اجتماعی، خودآگاهی به عنوان عوامل ایجاد کننده هوش هیجانی رابطه معناداری با سازگاری اجتماعی داشتند، اما متغیر خودانگیختگی به عنوان پیش بین متغیر سازگاری اجتماعی نبود و در دستگاه رگرسیونی نیز معنادار نشد. همچنین از بین متغیرهای تحقیق می توان بیان کرد که متغیر هوش هیجانی و شاخص های آن یعنی، خودتنظیمی، خودانگیختگی، خودآگاهی، همدلی به عنوان عوامل ایجاد کننده هوش هیجانی رابطه معناداری با صمیمیت اجتماعی داشتند، اما متغیر مهارت های اجتماعی در هوش هیجانی به عنوان پیش بین متغیر صمیمیت اجتماعی نبود و در دستگاه رگرسیونی نیز معنادار نشد. یعنی هوش هیجانی و سه شاخص آن بر صمیمیت اجتماعی در نیروهای داوطلب موثر هستند و می توان با تقویت آن عامل و به عبارتی بهبود آن می توان صمیمیت اجتماعی را در نیروهای داوطلب به سرعت گسترش داد. نتایج حاصله از بخش توصیفی و روابط دو متغیری داده ها در قسمت داده های جمعیت شناختی نیز نشان از اهمیت متغیر سن در سازگاری اجتماعی در این تحقیق داشت.

کلمات کلیدی: صمیمیت اجتماعی، مهارت اجتماعی، نیروی داوطلب، هوش هیجانی.

مقدمه

امروزه درباره در جامعه متمول امروزی ماهیت مشکلاتی که برای بشر پیش می آید در قالب ارتباط های انسانی رخ می دهد که استفاده از راهکار جنگ و گریز برخورد های هیجانی و انفعالی شدید، در مقابله با آنها ناکارآمد است [۱]. به طور کلی شواهد پژوهشی نشان داده است که اگر می خواهیم جامعه ای تربیت کنیم که در خانواده، محل کار و جامعه، افرادی کارآمد و توانمند و از سلامت اجتماعی و روانی و جسمانی مناسب برخوردار باشند و یا به عبارتی دیگر از روابط اجتماعی و در نتیجه صمیمیت اجتماعی بالاتری برخوردار باشند باید به آموزش هوش هیجانی و مهارت های اجتماعی-عاطفی آنها اهمیت داده شود. پژوهش های متعددی تاثیر روابط اجتماعی را بر حوزه ها و مقوله های دیگر بررسی کرده اند و منابع و خاستگاه تقویت و شکل گیری سرمایه اجتماعی را نیز مدنظر قرار داده اند. هوش هیجانی یک سازه چند عاملی است که از توانایی به هم پیوسته عاطفی، شخصی و اجتماعی تشکیل شده که ما را در رویارویی با مقتضیات زندگی روزمره یاری می دهد. هوش هیجانی توانایی های یک شخص در مواجهه با چالش های محیطی است و موفقیت فرد را در زندگی پیش بینی می کند. بنابراین هوش هیجانی را می توان بکارگیری قابلیت های عاطفی خود و دیگران، در رفتارهای فردی و گروهی، برای کسب حداکثر نتایج تعریف کرد [۲].

هوش هیجانی را بر حسب دانش اولیه هیجانی، تناسب هیجانی، عمق هیجانی و کیمیاگری هیجانی تعریف کرده اند. مراد از دانش اولیه هیجانی دانشی است که فرد از ماهیت و کنش وری احساسات خود دارد. تناسب هیجانی، انعطاف پذیری و شدت احساسات و هیجان ها است. عمق هیجانی، استعدادی برای رشد و تقویت یا عمق بخشیدن به هیجان ها و کیمیاگری هیجانی، توانایی استفاده از احساسات و هیجان ها برای خلاقیت است. نخستین اصل هوش هیجانی این است که بنیاد تمام یادگیری های اصیل و پایدار، مراقبت از روابط است شواهد بسیاری ثابت می کند افرادی که مهارت هیجانی دارند، یعنی کسانی که احساسات خود را به خوبی می شناسند و هدایت می کنند و احساسات دیگران را نیز درک و به طرز اثربخشی با آنان برخورد می کنند، در هر حیطه ای از زندگی ممتازند [۳].

زندگی در جوامع امروزی بسیار پیچیده شده است و افراد برای ایفای نقش مؤثر و مفید به دانش ها، نگرش ها و مهارت های متفاوتی نیاز دارند. انسان موجودی اجتماعی است و تعامل اجتماعی محور زندگی اجتماعی آدمی است [۴]. یکی از این مهارت های مهم، که هر فردی باید از آن بهره مند باشد مهارت های اجتماعی است. نلیس و همکاران (۲۰۰۹) مهارت اجتماعی را هم معنی با سازگاری اجتماعی می دانند. به نظر آنها مهارت اجتماعی یعنی توانایی برقراری ارتباط متقابل با سایر افراد به ویژه در بعد اجتماعی است به طوری که در هنجارهای جامعه مورد قبول بوده و دارای ارزش باشد [۵].

منظور از سازگاری، رابطه ای است که میان فرد و محیط او، به و یژه محیط اجتماعی وجود دارد و به او امکان می دهد تا نیازها و انگیزه های خود را پاسخ گوید. فرد زمانی از سازگاری بهره مند است که بتواند میان خود و محیط اجتماعی اش رابطه ای سالم برقرار و انگیزه های خود را ارضا کند، در غیر این صورت او ناسازگار قلمداد می شود. در واقع سازگاری با محیط، مهارتی است که باید آموخته شود و کیفیت آن مانند سایر آموخته ها به میزان علاقه و کوشش فرد برای یادگیری بستگی دارد [۶]. سازگاری اجتماعی را چنین تعریف می کند : هماهنگ ساختن رفتار به منظور برآورده ساختن نیازهای محیطی که غالباً مستلزم اصلاح تکانه ها، هیجان ها یا نگرش هاست [۳].

صمیمیت اجتماعی تمایل فرد برای شرکت در یک رابطه حمایت کننده و مهر آمیز بدون از دست دادن خود در آن رابطه است [۷]. روابط اجتماعی نیز شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیررسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند تنفر می شود [۸]. روابط اجتماعی آن دسته از عناصر و ویژگی های نظم اجتماعی مانند اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله ی متقابل و شبکه های اجتماعی می باشد که هماهنگی و همکاری را بین افراد یک جامعه برای دستیابی به سود متقابل تسهیل می کنند. وجود روابط اجتماعی گسترده بر سلامت فرد اثر دارد، زیرا بر نحوه ادراک فرد از موقعیت اجتماعی خویش اثر می گذارد [۹].

توانمندی های انسان و تاکید بر رشد و پرورش ان ها از اولویت های روان شناسی مثبت نگر است که در دهه های اخیر برخی از محققین و نظریه پردازان آن را مطرح کرده اند. در این رویکرد به مطالعه ویژگی های مثبت انسان و بهره مندی از حالات روانی سالم تاکید می شود. از جمله حوزه های مورد علاقه محققان در روان شناسی مثبت نگر، سلامت روان و هیجان است. از این میان سازه های مطرح شده، مفهوم هوش

هیجانی به دلیل جایگاه و اهمیت هیجان در زندگی فردی و اجتماعی و ضرورت آن در حفظ سلامت روان مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته و لذا ضرورت بررسی آن را مبین می سازد.

در مدلی که سیو (۲۰۰۹) برای تبیین ابعاد هوش معنوی تدوین شده است، به چهار عامل تفکر وجودی، انتقادی، معناسازی شخصی، آگاهی متعالی و توسعه سطوح هشیاری اشاره شده است. نخستین مؤلفه هوش هیجانی، مربوط به ظرفیت ژرف اندیشی در خصوص معنا، هدف و سایر مسایل وجودی یا متافیزیکی (مانند واقعیت، عالم، فضا، زمان و مرگ) میباشد. دومین مؤلفه، بر توانایی ساخت معنا و هدف شخصی در تمام تجارب جسمی و روحی دلالت دارد که شامل برخورداری از توان خلق هدف در زندگی و نیل بدان میشود. سومین مؤلفه، به توانایی ادراک ابعاد متعالی خود (مانند خویشستن متعالی)، دیگران و جهان مادی (مانند غیر مادیگریایی و بهم پیوستگی)، در حالت بهنجار و فعال هشیاری مربوط می شود. در نهایت، آخرین مؤلفه هوش هیجانی در مدل کینگ توانایی ورود به حالت یا معنوی هشیاری مانند هشیاری ناب، هشیاری کیهانی، یگانگی) به میل و اختیار خود می باشد [۱۰].

رضاپور و همکاران، (۱۳۹۴)، به بررسی نقش هیجانی و هوش معنوی در تبیین حالت هیجانی منفی در بین دانشجویان پرداخت. نتایج وی نشان داد که ابعاد هوش هیجانی و هوش معنوی قادر به تبیین حالت های منفی می باشند. برای بررسی پردازش مدل پیشنهادی با داده های گردآوری شده شاخص های مختلفی محاسبه کردید. و نشان داد که بین هوش هیجانی و روابط اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد [۱]. در پژوهشی دیگر صبری و همکاران، (۱۳۹۲)، به بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش آموزان دبیرستانی متوسط شهر شیراز پرداخت. نتایج آماری نشان داد که رابطه معناداری بین ابعاد الگوهای خانوادگی ارتباطی با هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی وجود دارد. همچنین ارتباط معناداری بین هوش هیجانی و سازگاری روابط اجتماعی مشاهده شده است [۱۱].

یارمحمدیان و شرفی راد، (۱۳۹۰)، نیز به تحلیل رابطه ی بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی در نوجوانان دبیرستان شهر فسا پرداختند. در این تحقیق نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که بین عوامل هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی کلی و سازگاری اجتماعی رابطه معناداری مشاهده ده است. نابراین می توان نتیجه گرفت که تربیت و تقویت هوش هیجانی می تواند در تربیت مهارت های اجتماعی و سازگاری اجتماعی موثر واقع شود [۱۲].

آنچه هوش هیجانی می خواهد بیان کند، ایجاد روابط فردی و شغلی خود و ارتقاء و بهبود می باشد و در واقع رسیدن به موفقیت ها در زندگانی است. ارتباط میان فردی اساس و شالوده هویت و کمال انسان است و مبنای اولیه دهد پیوند وی با دیگران را تشکیل میدهد. مهارت های اجتماعی مؤثر، موجب شکوفایی افراد و بهبود کیفیت روابط می شود. بسیاری از محققین هوش هیجانی را به عنوان بهترین عامل پیش بینی کننده موفقیت در زندگی معرفی کرد که هر شخصی می تواند به آن دست یابد و می توان آن را یک خصیصه شخصیتی به حساب آورد.

با توجه به اینکه تا به حال پژوهشی در زمینه بررسی اثرات بررسی تاثیر هوش هیجانی بر برخی خصوصیات نیروهای داوطلب صورت نگرفته است لذا ضروری به نظر می رسد که راه کارهای توسعه تاثیر هوش هیجانی بر مبنای پاسخ واقعی خود سازمان مورد ارزیابی قرار گیرد. از این رو محقق به دنبال پاسخ به این سوال است: آیا هوش هیجانی بر کیفیت روابط، سازگاری و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب تاثیر دارد؟

روش شناسی پژوهش

طرح تحقیق مناسب برای ماهیت موضوع انتخاب گروه نمونه مناسب و معرف جامعه آماری، انتخاب روش های مناسب، تحقیق بکارگیری ابزارهای مناسب برای گردآوری داده ها و کاربرد روش های مناسب تجزیه و تحلیل داده های تحقیق و آزمون فرضیه هایی مباحث مربوط به روش- شناسی تحقیق هستند که یکی از عوامل مهم موفقیت در تحقیقات به شمار می آیند در این تحقیق از روش توصیفی- همبستگی استفاده شد. جمعیت آماری در این تحقیق کلیه نیروهای داوطلب فدراسیون والیبال می باشد. آمار تقریبی جامعه با استناد به آمار فدراسیون ۱۰۰۰ نفر در نظر گرفته شد.

روش نمونه گیری در این تحقیق نمونه گیری تصادفی هدفمند بوده زیرا داوطلبین حاضر در مسابقات لیگ جهانی والیبال در سال ۱۳۹۵ به میزبانی ایران به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. حجم جامعه بر اساس آمار اخذ شده از فدراسیون والیبال به طور تقریبی ۱۰۰۰ نفر بوده که با استفاده از فرمول کوکران که در ذیل آمده است به ۲۱۱ نفر محاسبه شده است. به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران با مفروضات زیر استفاده شده است:

$$n = \frac{1000 \times (1/96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{((0.06)^2 \times (1000-1)) + ((1/96)^2 \times 0.5 \times 0.5)} = \frac{960/4}{4/55} = 211/0.7 \cong 211$$

برای انجام تحقیق از چهار پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه اول مربوط به ویژگی های فردی آزمودنی ها و پرسشنامه های بعدی به ترتیب، گلن برای ارزیابی هوش هیجانی، پرسشنامه میلر برای صمیمیت اجتماعی و پرسشنامه بل برای ارزیابی سازگاری اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت.

پرسشنامه هوش هیجانی گلن

آزمون هوش هیجانی در قالب مقیاس پنج گزینه ای لیکرت تنظیم شده است. فرم اصلی این آزمون دارای ۷۱ سؤال است و از دو قسمت تشکیل شده، قسمت اول دارای ۴۱ سؤال و قسمت دوم دارای ۳۰ سؤال می باشد. در قسمت اول، هر سؤال حاکی از یک موقعیت زندگی می باشد، آزمودنی باید خود را در آن موقعیت قرار دهد و یکی از گزینه ها را که با حالات روحی روانی سازگاری بیشتری دارد انتخاب کند. در قسمت دوم در ابتدای هر سؤال یک داستان ساختگی عاطفی آورده شده است و از آزمودنی خواسته می شود تا پاسخ خود را با توجه به داستان، انتخاب کند. لازم به ذکر است که این آزمون توسط منصوری (۱۳۸۱) به صورت پایان نامه کارشناسی ارشد هنجاریابی شده ولی از قسمت دوم این آزمون به علت عدم همخوانی داستان های آن با فرهنگ ایرانی استفاده نشده است. در اجرای مقدماتی این آزمون، از قسمت اول که شامل ۴۱ سؤال بود استفاده شده که تعداد هفت سؤال به علت همبستگی کم با نمره کل آزمون حذف شده اند. سؤالاتی را که برای اجرای نهایی در نظر گرفته شده اند ۳۳ سؤال بود. میزان همسانی آزمون ۳۳ سؤالی، در اجرای مقدماتی، به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ بوده است [۱۳].

جدول ۱: شماره هریک از سوالات در ابعاد هوش هیجانی

خود آگاهی	خود تنظیمی	خودانگیزگی	همدلی	مهارت های اجتماعی
۶	۲	۱	۱۷	۷
۱۰	۱۱	۹	۲۲	۸
۱۴	۱۶	۱۵	۲۵	۱۹
۱۴	۱۸	۲۰	۲۹	۲۸
۳۲	۲۳	۲۶	۶	۱۳
۳۳	۳۰	۳۱	۳	
۲۷	۵	۲۱		
۱۲				

پرسشنامه سازگاری اجتماعی بل

این پرسشنامه توسط بل ساخته شده است و دارای ۵ مولفه سازگاری در خانه، سازگاری شغلی، سازگاری تندرستی ، سازگاری عاطفی و سازگاری اجتماعی می باشد. کل آزمون دارای ۳۲ سوال می باشد و گزینه های آن یله و خیر و نمی دانم می باشند. که گزینه بله ۱ نمره و خیر صفر نمره دارد. در پژوهش میکائیلی و امام زاده (۱۳۸۷)، پایایی این آزمون ۰/۸۴ و روایی آن ۰/۸۱ محاسبه شده است [۱۴].

پرسشنامه صمیمیت اجتماعی میلر

پرسشنامه صمیمیت یک مقیاس ۱۷ سوالی است که برای سنجیدن صمیمیت تدوین شده است. این مقیاس جزئی از یک ابزار بزرگتر است که چندین بعد صمیمیت را در بر می گیرد، اما توسط تهیه کنندگان آن به صورت مقیاس مستقلی گزارش شده است. نمره آزمودنی در پرسشنامه صمیمیت از طریق جمع نمرات سوالات و تقسیم آن بر عدد ۱۷ حاصل می شود. دامنه نمرات بین ۱ تا ۷ است که نمره بالاتر نشانه صمیمیت بیشتر است. مقیاس صمیمیت با ضریب آلفای ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ از همسانی درونی بسیار عالی برخوردار است [۱۵].

برای تعیین اعتبار و پایایی مجدد پرسشنامه ها برای جامعه مورد نظر تحقیق، پس از این که انتخاب نمونه ها، پرسشنامه اولیه ای طراحی و سپس توسط ۲۰ نفر از آزمودنی ها تکمیل شد. پس از تکمیل پرسشنامه و بررسی های لازم اقدام به اندازه گیری اعتبار و پایایی گردید. برای تعیین میزان پایایی در این پژوهش از آماره آلفای کرونباخ نرم افزار ۲۲ spss استفاده شد. که ضریب پایایی و روایی کل طیف را مشخص می کند. آلفای آماره ای است که دامنه آن بین ۰ تا ۱ می باشد. هر چه آلفای به دست آمده به ۱ نزدیک تر باشد، ابزار سنجش از پایایی بیشتری برخوردار بوده و همبستگی گویه ها نیز با هم بیشتر است. با توجه به آلفاهای به دست آمده می توان عنوان نمود که ابزار مورد نظر از پایایی کافی و قابل قبول برخوردار است.

جدول ۲: میزان روایی شاخصها و ضرایب آنها

B	شاخص ها	ضریب آلفا
۱	هوش هیجانی	۰/۷۵
۲	سازگاری اجتماعی	۰/۷۸
۳	صمیمیت اجتماعی	۰/۸۱

کدگذاری پاسخ ها پس از تکمیل و گردآوری پرسشنامه ها، کنترل و ویرایش آنها انجام شد. سپس داده ها برای انجام تحلیل های مورد نظر آماده گردید. با استفاده از آماره های توصیفی، نمای کلی متغیرها گزارش شد و از روش آماری رگرسیون و همبستگی که با استفاده از نرم افزار ۲۲ spss برای تعیین ارتباط و همبستگی چندگانه بین متغیر ها استفاده شد.

یافته های تحقیق

مهمترین یافته توصیفی سابقه داوطلبی نمونه های آماری بوده که در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: توزیع پاسخگویان برحسب سابقه داوطلبی

سابقه داوطلبی	فراوانی	درصد
کمتر از ۳ سال	۱۴	۷
۳-۵ سال	۷۰	۳۳
۶-۸ سال	۷۸	۳۷
۹-۱۱ سال	۲۲	۱۰
بالاتر از ۱۲ سال	۲۷	۱۳
جمع	۲۱۱	۱۰۰٫۰

بدین منظور سطح سنجش کلیه متغیرهای پیش بین و ملاک، پس از جمع کردن گویه ها، به صورت فاصله ای درآمده است که برای سنجش میزان ارتباط این متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد و هر فرضیه در قالب جداول دو بعدی مورد بررسی قرار گرفت.

- بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب ارتباط وجود ندارد.

جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی پیرسون میان هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب

متغیرها	سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب
هوش هیجانی	ضریب پیرسون
	سطح معناداری
	۰٫۶۴
	۰٫۰۰۱

باتوجه به آماره پیرسون با سطح معناداری ۰/۰۰۱ و ۹۹ درصد اطمینان (و ارزش ۰/۶۴) رابطه معناداری بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد و فرض وجود رابطه میان این دو پذیرفته می شود. بنابراین بین هوش هیجانی نیروهای داوطلب و سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد و در نتیجه فرض صفر رد می شود ($\alpha < 0/05$ ، $P\text{-value} = 0/001$ ، $R = 0/64$).

- بین خودآگاهی نیروهای داوطلب و سازگاری اجتماعی ارتباط وجود ندارد.

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین خودآگاهی نیروهای داوطلب و سازگاری اجتماعی

موارد	سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب
خودآگاهی	ضریب پیرسون
	سطح معناداری
	۰٫۳۲
	۰/۰۰۱

باتوجه به آماره پیرسون با سطح معناداری ۰/۰۰۱ و ۹۹ درصد اطمینان (و ارزش ۰/۳۲) رابطه معناداری بین خودآگاهی نیروهای داوطلب و سازگاری اجتماعی آنان وجود دارد و فرض وجود رابطه میان این دو پذیرفته می شود. بنابراین بین خودآگاهی نیروها و سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد و در نتیجه فرض صفر رد می شود ($\alpha < 0/05$ ، $P\text{-value} = 0/001$ ، $R = 0/32$).

- بین میان خودتنظیمی نیروهای داوطلب و سازگاری اجتماعی ارتباط وجود ندارد.

جدول ۶: نتایج آزمون همبستگی میان خودتنظیمی نیروهای داوطلب و سازگاری اجتماعی

سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب	موارد	
۰,۴۳	ضریب پیرسون	خودتنظیمی
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

باتوجه به آماره پیرسون با سطح معناداری ۰/۰۰۱ و ۹۹ درصد اطمینان (و ارزش ۰/۴۳) رابطه معناداری بین خودتنظیمی و سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد و نیز فرض وجود رابطه میان این دو پذیرفته می‌شود. بنابراین هرچه خودتنظیمی در افراد افزایش پیدا کند، سازگاری اجتماعی در نیروهای داوطلب نیز افزایش پیدا می‌کند. سازگاری اجتماعی در نیروهای داوطلب نیز افزایش پیدا می‌کند. بین این دو رابطه وجود دارد، در نتیجه باید گفت فرض صفر رد می‌شود ($\alpha < 0/05$ ، $P\text{-value} = 0/001$ ، $R = 0/43$).

- بین خودانگیختگی و سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب ارتباط وجود ندارد.

جدول ۷: نتایج آزمون همبستگی میان خودانگیختگی و سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب

سازگاری اجتماعی نیروها	موارد	
۰,۷۱	ضریب پیرسون	خودانگیختگی
۰,۲۵	سطح معناداری	

از آنجا که در رابطه بین خودانگیختگی و سازگاری اجتماعی داوطلبان سطح معناداری آن ۰,۲۵ شده است که از ۰/۰۵ بزرگتر می‌باشد، فرض وجود رابطه بین این دو رد می‌گردد. بنابراین بین خودانگیختگی نیروهای داوطلب و سازگاری اجتماعی رابطه ای وجود ندارد. باید گفت فرض صفر مبنی بر عدم رابطه پذیرفته می‌شود ($\alpha < 0/05$ ، $P\text{-value} = 0/001$ ، $R = 0/71$).

- بین میان همدلی نیروهای داوطلب و سازگاری اجتماعی ارتباط وجود ندارد.

جدول ۸: نتایج آزمون همبستگی میان همدلی نیروهای داوطلب و سازگاری اجتماعی

سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب	موارد	
۰,۲۱	ضریب پیرسون	همدلی
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

باتوجه به آماره پیرسون با سطح معناداری ۰/۰۰۱ و ۹۹ درصد اطمینان (و ارزش ۰/۲۱) رابطه معناداری بین همدلی و سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد و نیز فرض وجود رابطه میان این دو پذیرفته می‌شود. بنابراین بین همدلی در افراد و سازگاری اجتماعی در نیروهای داوطلب رابطه وجود دارد و در نتیجه فرض صفر در اینجا رد می‌شود ($\alpha < 0/05$ ، $P\text{-value} = 0/001$ ، $R = 0/21$).

- بین میان مهارت های اجتماعی نیروهای داوطلب و سازگاری اجتماعی ارتباط وجود ندارد.

جدول ۹: نتایج آزمون همبستگی میان مهارت اجتماعی نیروهای داوطلب و سازگاری اجتماعی

سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب	موارد	
۰,۴۸	ضریب پیرسون	مهارت های اجتماعی
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

باتوجه به آماره پیرسون با سطح معناداری ۰/۰۰۱ و ۹۹ درصد اطمینان (ارزش ۰/۴۸) رابطه معناداری بین مهارت های اجتماعی و سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد و نیز فرض وجود رابطه میان این دو پذیرفته می شود. بنابراین بین مهارت های اجتماعی در افراد و سازگاری اجتماعی در نیروهای رابطه وجود دارد و در نتیجه فرض صفر در این جا رد می شود ($\alpha < 0/05$ ، $P\text{-value} = 0/001$ ، $R = 0/48$).

- بین هوش هیجانی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب ارتباط وجود ندارد.

جدول ۱۰: نتایج آزمون همبستگی میان هوش هیجانی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب

صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب	موارد	
۰,۵۷	ضریب پیرسون	صمیمیت اجتماعی
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

با توجه به آماره پیرسون با سطح معناداری ۰/۰۰۱ و ۹۹ درصد اطمینان (ارزش ۰/۵۷) رابطه معناداری بین هوش هیجانی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد و فرض وجود رابطه میان این دو پذیرفته می شود. بنابراین بین هوش هیجانی و صمیمیت اجتماعی رابطه وجود دارد و در نتیجه فرض صفر رد می شود ($\alpha < 0/05$ ، $P\text{-value} = 0/001$ ، $R = 0/48$).

- بین خودآگاهی نیروهای داوطلب و صمیمیت اجتماعی ارتباط وجود ندارد.

جدول ۱۱: نتایج آزمون همبستگی بین خودآگاهی نیروهای داوطلب و صمیمیت اجتماعی

صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب	موارد	
۰,۳۷	ضریب پیرسون	خودآگاهی
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

باتوجه به آماره پیرسون با سطح معناداری ۰/۰۰۱ و ۹۹ درصد اطمینان (ارزش ۰/۳۷) رابطه معناداری بین خودآگاهی نیروهای داوطلب و صمیمیت اجتماعی آنان وجود دارد و فرض وجود رابطه میان این دو پذیرفته می شود. بنابراین بین خودآگاهی در نیروها و صمیمیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد و در نتیجه فرض صفر در اینجا رد می شود ($\alpha < 0/05$ ، $P\text{-value} = 0/001$ ، $R = 0/37$).

- بین خودتنظیمی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب ارتباط وجود ندارد.

جدول ۱۲: نتایج آزمون همبستگی میان خودتنظیمی نیروهای داوطلب و صمیمیت اجتماعی

صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب	موارد	
۰,۴۳	ضریب پیرسون	خودتنظیمی
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

باتوجه به آماره پیرسون با سطح معناداری ۰/۰۰۱ و ۹۹ درصد اطمینان (و ارزش ۰/۴۳) رابطه معناداری بین خودتنظیمی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد و نیز فرض وجود رابطه میان این دو پذیرفته می‌شود. بنابراین بین خودتنظیمی در افراد و صمیمیت اجتماعی در نیروهای داوطلب رابطه وجود دارد و فرض صفر رد می‌شود ($\alpha < 0/05$, $P\text{-value} = 0/001$, $R = 0/43$).

- بین خودانگیختگی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب ارتباط وجود ندارد.

جدول ۱۳: نتایج آزمون همبستگی میان خودانگیختگی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب

صمیمیت اجتماعی نیروها	موارد	
۰,۵۱	ضریب پیرسون	خودانگیختگی
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

باتوجه به آماره پیرسون با سطح معناداری ۰/۰۰۱ و ۹۹ درصد اطمینان (و ارزش ۰/۵۱) رابطه معناداری بین خودانگیختگی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد و نیز فرض وجود رابطه میان این دو پذیرفته می‌شود. بنابراین هرچه بین خودانگیختگی و صمیمیت اجتماعی نیروها رابطه وجود دارد و در نتیجه فرض صفر در اینجا رد می‌شود ($\alpha < 0/05$, $P\text{-value} = 0/001$, $R = 0/48$).

- بین میان همدلی نیروهای داوطلب و صمیمیت اجتماعی ارتباط وجود ندارد.

جدول ۱۴: نتایج آزمون همبستگی میان همدلی نیروهای داوطلب و صمیمیت اجتماعی

صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب	موارد	
۰,۷۲	ضریب پیرسون	همدلی
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

باتوجه به آماره پیرسون با سطح معناداری ۰/۰۰۱ و ۹۹ درصد اطمینان (و ارزش ۰/۷۲) رابطه معناداری بین همدلی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد و نیز فرض وجود رابطه میان این دو پذیرفته می‌شود. بنابراین بین همدلی در افراد و صمیمیت اجتماعی در نیروهای داوطلب رابطه وجود دارد و فرض صفر در اینجا رد می‌شود ($\alpha < 0/05$, $P\text{-value} = 0/001$, $R = 0/72$).

- بین میان مهارت های اجتماعی نیروهای داوطلب و صمیمیت اجتماعی ارتباط وجود ندارد.

جدول ۱۵: نتایج آزمون همبستگی میان مهارت اجتماعی نیروهای داوطلب و صمیمیت اجتماعی

صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب	موارد	مهارت های اجتماعی
۰,۴۱	ضریب پیرسون	
۰,۳۲	سطح معناداری	

از آنجا که در رابطه بین مهارت های اجتماعی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب سطح معناداری آن ۰,۳۲ شده است که از ۰/۰۵ بزرگتر می باشد ، فرض وجود رابطه بین این دو رد می گردد. بنابراین بین میزان مهارت های اجتماعی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب رابطه وجود ندارد و فرض صفر در اینجا پذیرفته می شود ($\alpha < 0/05$ ، $P\text{-value} = 0/32$ ، $R = 0/41$)

- بین هوش هیجانی، سازگاری اجتماعی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب همبستگی چندگانه وجود ندارد.

نتایج آزمون همبستگی چندگانه با استفاده از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر نشان می دهد که این متغیرها با هم ارتباط دارند. و در یکدیگر تأثیر می گذارند، اما با توجه به نتایج معادلات رگرسیونی باید گفت، میزان تأثیر و پیش بینی متغیر سازگاری اجتماعی توسط هوش هیجانی بیشتر از پیش بینی و تأثیر این متغیر بر متغیر صمیمیت اجتماعی است.

شکل ۱: مدل ضریب همبستگی چندگانه



در بخش های گذشته رابطه متغیرها براساس فرضیات تحقیق به صورت دو به دو مورد بررسی قرار گرفت. اکنون با استفاده از رگرسیون چند متغیری به بررسی تأثیر مجموع متغیرهای تحقیق را مورد بررسی پرداخته می شود.

جدول ۱۶: نمایش ضریب رگرسیونی متغیرهای ۶ گانه مستقل تحقیق بر روی سازگاری اجتماعی

متغیرهای وارد شده	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		آزمون T	سطح معناداری
	B	انحراف معیار	BETA			
مقدار ثابت	۳,۰۹	۱,۲			۲,۵۸	۰,۰۱
هوش هیجانی	۰,۳۸	۰,۱۲	۰,۲۲		۳,۱	۰,۰۰۲
خودآگاهی	۰,۳۱	۰,۱۶	۰,۲۴		۲,۲۱	۰,۰۰۵
خود تنظیمی	۰,۲۸	۰,۱۰	۰,۲۸		۲,۷	۰,۰۰۷
خودانگیزگی	۰,۰۱۴	۰,۱۳	۰,۰۱۴		۰,۱۰	۰,۹۱
همدلی	۰,۲۸	۰,۱۰	۰,۲۸		۲,۷	۰,۰۰۷
مهارت های اجتماعی	۰,۳۹	۰,۱۲	۰,۳۹		۴,۳	۰,۰۰۲
نتایج همبستگی	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	F	انحراف معیار برآورد	سطح معناداری
	۰,۷۸	۰,۶۰	۰,۵۹	۳۹,۲۱	۲,۱۵	۰,۰۰۰

با توجه به جدول ۱۶، از ۶ متغیر موجود در تحقیق نیز تنها متغیر مهارت های اجتماعی به عنوان عوامل ایجاد کننده صمیمیت اجتماعی معنی دار نبودند و ۵ متغیر دیگر یعنی متغیرهای هوش هیجانی، خودتنظیمی، همدلی، خودآگاهی، خود انگیزگی به به عنوان عوامل ایجاد کننده صمیمیت اجتماعی معنادار بوده است و به تبیین ۰,۲۴ درصد تغییرات متغیر توسعه صمیمیت اجتماعی می پردازند. ضریب بتا نیز نشان می دهد با یک واحد تغییر در انحراف معیار ، انحراف معیار صمیمیت اجتماعی به اندازه ۰/۵۲ تغییر می کند. می توان گفت، با تقویت و افزایش هوش هیجانی و شاخص های آن می توان به بهبود و پیشرفت صمیمیت اجتماعی امید داشت. همچنین با توجه به جدول ۱۶، از ۶ متغیر موجود در تحقیق تنها متغیر خودانگیزگی به عنوان عوامل ایجاد کننده سازگاری اجتماعی معنی دار نبودند و ۵ متغیر دیگر یعنی متغیرهای هوش هیجانی، خودتنظیمی، خودآگاهی، همدلی، مهارت های اجتماعی به عنوان عواملی که به عنوان عامل ایجاد کننده سازگاری اجتماعی معنادار بوده است و به تبیین ۰,۵۹ درصد تغییرات متغیر توسعه سازگاری اجتماعی می پردازند. ضریب بتا نیز نشان می دهد با یک واحد تغییر در انحراف معیار ، انحراف معیار سازگاری اجتماعی به اندازه ۰/۵۹ تغییر می کند. به عبارتی با بهبود و تقویت هوش هیجانی و شاخص های آن می توان به بهبود و پیشرفت سازگاری اجتماعی امید داشت.

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق نشان داد، رابطه معناداری بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد و فرض وجود رابطه میان این دو پذیرفته می‌شود ($\alpha \leq 0/05$ ، $P = 0/001$ ، $R = 0/64$). بنابراین بین هوش هیجانی نیروهای داوطلب و سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب رابطه معنی داری وجود دارد. نتیجه این فرضیه با نتایج تحقیق فرقدانی (۱۳۸۳)، میکائیلی و امام زاده، (۱۳۸۷)، خدایاری فرد و همکاران، (۱۳۹۰)، شهنی ییلاق و همکاران (۱۳۹۱)، طالبی و همکاران (۱۳۹۳)، یارمحمد زاده و داداش زاده (۱۳۹۴)، آلرگ (۲۰۱۱)، چری و همکاران (۲۰۱۳)، ایشاک و همکاران (۲۰۱۲)، برون و همکاران (۲۰۱۴) همخوان و همسو می باشد. نتایج ناهمخوان در این زمینه یافت نشد. هوش هیجانی توانایی های یک شخص در مواجهه با چالش های محیطی است و موفقیت فرد را در زندگی پیش بینی می کند. بنابراین هوش هیجانی را می توان بکارگیری قابلیت های عاطفی خود و دیگران، در رفتارهای فردی و گروهی، برای کسب حداکثر نتایج تعریف کرد. شواهد بسیاری ثابت می کند افرادی که مهارت هیجانی دارند، یعنی کسانی که احساسات خود را به خوبی می شناسند و هدایت می کنند و احساسات دیگران را نیز درک و به طرز اثر بخشی با آنان برخورد می کنند- در هر حیطه ای از زندگی ممتازند [۶]. هوش هیجانی نیز تحت تأثیر محیط پرورشی نیز قرار دارد. شواهد حاکی است که حداقل بخشی از هوش هیجانی پایین ناشی از اختلال در روابط اولیه است که بر تحول سیستم های شناختی و عصبی درگیر در پردازش اطلاعات هیجانی اثر می گذارد [۲۶]. هوش هیجانی به توانایی شناسایی و تشخیص مفاهیم و معانی هیجان ها، روابط بین آنها، استدلال کردن و حل مسأله اشاره دارد [۲۷]. افراد با هوش هیجانی بالا در مواجهه با وقایع استرس آمیز از توان مقابله مؤثرتر برخوردارند، زیرا هیجانات خود را دقیق تر درک و ارزیابی می کنند؛ می دانند چه موقع و به چه نحوی احساساتشان را بروز دهند و می توانند به طور مؤثری حالات خلقی خود را تنظیم نمایند [۲۸]. بنابراین داشتن هوش هیجانی بالاتر بر برقراری ارتباط و تعاملات مطلوب تر و سازگاری اجتماعی بهتر و تداوم ارتباطات مثبت نیروهای داوطلب تأثیر دارد و این همان مولفه های روانشناختی مورد نیاز برای نیروهای داوطلب برای دست یافتن به اهداف سازمانی توسط آنان، می باشد.

یافته دیگر نشان داد، رابطه معناداری بین خودآگاهی نیروهای داوطلب و سازگاری اجتماعی آنان وجود دارد ($\alpha \leq 0/05$ ، $P = 0/001$ ، $R = 0/32$). نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات محققینی مانند؛ میکائیلی و امام زاده، (۱۳۸۷)، شهنام (۱۳۹۴)، حاجی حیدری (۱۳۹۴)، خلدیان و همکاران (۲۰۱۳)، هایس و ریلی (۲۰۱۳)، همخوان است. نتایج ناهمخوان در این زمینه یافت نشد. از نظر گلמן خود آگاهی ریشه و اساس مؤلفه های هوش هیجانی است و تا زمانی که فرد از سطح خود آگاهی پایینی برخوردار باشد و در انتخاب هدف و برنامه ریزی - برای رسیدن به هدف مدیریت کنترل احساسات خود و بر انگیزتگی خود و بکار گیری نظامی که بتوان بر اساس آن با احساسات دیگران هماهنگ شود رشد مهارت های اجتماعی متناسب با هدف و عمل با مشکلات مواجه می شود. تعریفی که گلמן، (۱۹۹۵) برای خود آگاهی در نظر گرفته عبارتست از درک عمیق و روشن احساسات، هیجانات نقاط ضعف و قوت و نیاز و سائق های خود. بنابراین این تعریف تائیدی است بر این موضوع که نیروی های داوطلب با داشتن خودآگاهی بالاتر می تواند به سازگاری اجتماعی مطلوب تری دست یابد [۳۳].

یافته دیگر تحقیق نشان داد که، بین خودتنظیمی و سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد و نیز فرض وجود رابطه میان این دو پذیرفته می‌شود ($\alpha \leq 0/05$ ، $P = 0/001$ ، $R = 0/43$). بنابراین بین خود تنظیمی در افراد و سازگاری اجتماعی در نیروهای داوطلب رابطه وجود دارد. فرض صفر رد می شود. نتیجه ی این فرضیه با نتایج تحقیق محققانی مانند، میکائیلی و امام زاده، (۱۳۸۷)، خدایاری فرد و همکاران، (۱۳۹۰)، شهنی ییلاق و همکاران، (۱۳۹۱)، عبدالمی و همکاران (۱۳۹۵)، کیانگ هو و همکاران (۲۰۱۶)، میلوچویچ و همکاران (۲۰۱۶) همخوان می باشد و نتایج ناهمخوان در این زمینه یافت نشد. همچنان که با آگاهی خود درمورد احساسات، هیجانات، و اثرات، آنها رشد می یابند، فرد می تواند توانایی خود را در جهت کنترل آنها بهبود بخشد. به طوریکه آنها نتوانند تأثیر بدی بر عملکرد افراد داشته باشند. خود تنظیمی هیجان به معنای سرکوب هیجان نیست بدین شکل نیست که فرد با یک سد دفاعی محکم در مقابل احساسات و خود انگیزه های خود درست کند بر عکس آنچه که در خود تنظیمی مورد تأکید است روش ابراز احساسات می باشد به شکلی که این روش ابراز هم جریان تفکر را تسهیل کند و هم از انحراف آن جلوگیری کند [۳۳]. بنابراین نیروهای داوطلب با هوش هیجانی بالاتر و خود تنظیمی بالاتر می توانند بهتر با محیط سازگار شوند. از طریق افزایش سازگاری به مولفه های مهمی مانند بهبود عملکرد، سطح مطلوب ارتباطات و تعاملات و ... دست یابند و درنهایت بیشترین کمک را به سازمان در جهت دستیابی به اهداف سازمانی نمایند.

از آنجا که در رابطه بین خودانگیختگی و سازگاری اجتماعی داوطلبان سطح معناداری آن ۰/۲۵ شده است که از ۰/۰۵ بزرگتر می باشد، فرض وجود رابطه بین این دو رد می گردد. این یافته با یافته اکثر محققین مانند؛ شهنام (۱۳۹۴)، شهنی (۱۳۹۱)، خدایاری فرد و همکاران (۱۳۹۰)، یارمحمدزاده و داداش زاده (۱۳۹۴)، کیانگ هو (۲۰۱۳)، برون و همکاران (۲۰۱۴) ناهمخوان و ناهمسو است. خود انگیختگی یکی دیگر از مؤلفه های هوش هیجانی می باشد و خیلی از روانشناسان آن را شرط بقا می نامند به عقیده آنان انسان سالم هیچ کاری را بدون هدف از پیش تعیین شده انجام نمی دهد و برای رسیدن به هدف و حتی انتخاب هدف، خود انگیزی لازم می باشد. از نظر گلمن ، خود انگیزی زبان سائق پیشرفت می باشد و کوشش است در جهت رسیدن به حد مطلوبی از فضیلت. افرادی که این خصیصه را زیاد دارند همیشه در کارهای خود نتیجه محور سائق زیادی در آنها برای رسیدن به اهداف و استانداردها وجود دارد این افراد اهداف چالش برانگیز را خیلی سریع مرتب و میزان مخاطرات آنها را حساب می کنند و اطلاعات و راهبردهایی را بکار می برند که باعث کاهش عدم اطمینان آنها و افزایش عملکرد آنها شود این افراد خیلی سریع یاد می گیرند که چگونه بازده کاری خود را افزایش دهند و خیلی سریع با اهداف گروه یا سازمان سازگار می شوند [۳۸]. این افراد همیشه انتقاد شدید و سازنده در گروه از خود نشان می دهند و موقعیت آنها در گروه طوری است که مدیران همیشه از توانایی های آنان حساب می برند. این افراد همیشه به توانایی خود اعتماد دارند و همیشه نسبت به آینده امیدوار هستند. شاید علت این تفاوت ، اختلاف جامعه آماری بین دو تحقیق باشد که این تحقیق در بین نمونه نیروهای داوطلب با فرهنگی خاص و تحقیق ذکر شده در بین نمونه هایی مانند دانش آموزان، جوانان یا نوجوانان انجام شده و همه نمونه ها در دامنه ی سنی مشابهی بوده اند، انجام شده است. در این تحقیق نیروهای داوطلب با فرهنگ های مختلف، موقعیت های شغلی گوناگون و سنین مختلف مورد بررسی قرار گرفته اند که انگیزه های بسیار متنوعی برای حضور در میادین ورزشی به عنوان نیروی داوطلب و فعالیت در حوزه ورزش داشته اند.

نتایج همچنین نشان داد که رابطه معناداری بین همدلی و سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد ($\alpha \leq 0.05$, $P = 0.001$, $R = 0.21$). این یافته با نتایج محققانی مانند خدایاری فرد و همکاران، (۱۳۹۰)، شهنی ییلاق و همکاران، (۱۳۹۱)، عبدالهی و همکاران (۱۳۹۵)، کیهاو و همکاران (۲۰۱۳)، مکنول و همکاران (۲۰۱۶) همخوان است نتایج ناهمخوان در این زمینه یافت نشد. همدلی عبارت است از توانایی آگاهی، درک و پذیرش احساسات دیگران و حساس بودن به این که آنها چرا و چگونه و چه چیزی را احساس می کنند. همدل شدن کسب توانایی با شناخت هیجانات و عواطف دیگران است. افراد همدل به دیگران توجه دارند و به نگرانی در مورد علائق آنها توجه نشان می دهند. این مولفه از هوش هیجانی نیز یکی دیگر از ویژگی های روانشناختی مورد نیاز نیروهای داوطلب برای موفقیت در انجام وظایفشان است.

یافته دیگر بیانگر این موضوع است که رابطه معناداری بین مهارت های اجتماعی و سازگاری اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد ($\alpha \leq 0.05$, $P = 0.001$, $R = 0.48$). این یافته با نتایج تحقیق محققانی مانند؛ تیره گری (۱۳۸۴)، فرقدانی (۱۳۸۳)، میکائیلی و امام زاده، (۱۳۸۷)، خدایاری فرد و همکاران، (۱۳۹۰)، شهنی ییلاق و همکاران (۱۳۹۱)، طالبی و همکاران (۱۳۹۳)، یارمحمد زاده و داداش زاده (۱۳۹۴)، چری و همکاران (۲۰۱۳)، برون و همکاران (۲۰۱۴) همخوان و همسو می باشد. مهارت های اجتماعی یکی دیگر از مؤلفه های هوشی هیجانی می باشد و شامل توانایی ها برای مدیریت روابط با خود و دیگران می باشد مهارت های اجتماعی فقط شامل دستیابی نمی شود. اگر چه افرادی که این مهارت را زیاد دارند خیلی سریع یک جو دوستانه با افراد ایجاد می کنند ولی این مهارت بیشتر به دوستیابی هدفمند مربوط می شود. افرادی که مهارت های اجتماعی قوی دارند به راحتی می توانند میسر فکری دیگران را در سمتی که می خواهند هدایت کنند خواه برای ایجاد رفتار جدید باشد خواه برانگیختن او برای ایجاد رفتار عملکرد و یا تولید جدید باشد. افرادی که مهارت های اجتماعی بالایی دارند همیشه درصد هستند که یک چرخه وسیعی از اطلاعات با افراد را بدست آورند و خیلی سریع جنبه های مشترک افراد را شناسایی کنند بعد از آن یک رابطه مؤثر برقرار کنند و این عمل حاکی از آن است که اعمال چنین افرادی بر اساس فرضیات حساب شده و دقیق می باشد چنین افرادی در اولین فرصت در محیط کاری یک شبکه ارتباط قوی برقرار می کند [۳۵].

بنابراین نیروهای داوطلب با داشتن مهارت های اجتماعی بالا می توانند شبکه گسترده ارتباطات و تعاملات سازنده را بین خود و با دیگران ایجاد نمایند و سازمان را در جهت پیشبرد سریعتر اهداف کمک نمایند.

یافته دیگر تحقیق نشان داد که بین هوش هیجانی و مولفه های آن به جز مهارت های اجتماعی نیروهای داوطلب بر صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب رابطه معنی داری وجود دارد.

رابطه معناداری بین هوش هیجانی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد ($\alpha \leq 0.05$, $P = 0.001$, $R = 0.57$).

رابطه معناداری بین خود آگاهی نیروهای داوطلب و صمیمیت اجتماعی آنان وجود دارد ($\alpha \leq 0.05$, $P = 0.001$, $R = 0.37$).

رابطه معناداری بین خودتنظیمی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد ($R = 0/43$ ، $P = 0/001$ ، $\alpha \leq 0/05$).

رابطه معناداری بین خودانگیختگی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد ($R = 0/51$ ، $P = 0/001$ ، $\alpha \leq 0/05$).

رابطه معناداری بین همدلی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب وجود دارد ($R = 0/72$ ، $P = 0/001$ ، $\alpha \leq 0/05$).

از آنجا که در رابطه بین مهارت های اجتماعی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب سطح معناداری آن ۰,۳۲ شده است که از ۰/۰۵ بزرگتر می باشد، فرض وجود رابطه بین این دو رد می گردد. بنابراین بین مهارت های اجتماعی و صمیمیت اجتماعی نیروهای داوطلب رابطه وجود ندارد و فرض صفر پذیرفته می شود. نتایج این تحقیق با تحقیق خدایاری فرد و همکاران، (۱۳۹۰)، ناهمخوانی دارد. در تحقیق آنان که در خصوص اثربخشی آموزش مولفه های هوش هیجانی بر سازگاری اجتماعی و صمیمیت اجتماعی در دانشجویان دانشگاه تهران بود. نتایج نشان داد که تفاوت معنادار میانگین دو گروه آزمایشی و افزایش هوش هیجانی و در نتیجه افزایش سازگاری اجتماعی کلی و برخ از ابعاد آن مثل مهارت های اجتماعی و روابط اجتماعی در گروه آزمایش بود. همچنین نتایج نشان داد که در گروه آزمایش گرایش ضد اجتماعی کاهش و صمیمیت اجتماعی افزایش یافته بود. همچنین تحقیق حاضر با نتایج شهنی ییلاق و همکاران، (۱۳۹۱) نیز در خصوص رابطه هوش هیجانی با صمیمیت و سازگاری اجتماعی ناهمسو می باشد. علت این تفاوت را می توان به عدم شباهت در جامعه آماری این تحقیقات دانست. در تحقیقات ذکر شده جامعه آماری دانشجویان بودند ولی در این تحقیق جامعه آماری نیروهای داوطلب می باشد.

به طور کلی این یافته با یافته های محققانی مانند؛ جوادی اژه ای (۱۳۸۳)، فرقدانی (۱۳۸۳)، حاتمی (۱۳۸۵) خدایاری فرد و همکاران، (۱۳۹۰)، شهنی ییلاق و همکاران (۱۳۹۱)، مارکوز و همکاران، (۲۰۰۶)، پوتیا و سانگون (۲۰۱۱)، ایشاک و همکاران (۲۰۱۱) و میلوچویچ و همکاران (۲۰۱۶) همخوان می باشد.

صمیمیت اجتماعی تمایل افراد برای شرکت در یک رابطه ی حمایت کننده و مهر آمیز بدون از دست دادن خود در آن رابطه است (اریکسون). افراد باهوش هیجانی بالا سازگاری بهتری با محیط اجتماعی برقرار می کنند. خدایاری و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیق خود نشان دادند که آموزش هوش هیجانی اثر معنی داری بر صمیمیت اجتماعی افراد دارد. در تبیین این یافته می توان گفت: مطالعات نشان داده اند که شناخت احساسات دیگران و تعادل عاطفی رابطه ای قوی با برقراری روابط گرم و دوستانه با دیگران دارد. از اینرو می توان ادعا کرد که آموزش آگاهی هیجانی و شناخت عواطف به همراه آموزش خودتنظیمی هیجانی قادر است با توانمند کردن فرد از لحاظ هیجانی و احساسی، برقراری روابط دوستانه و نزدیک با دیگران را آسان سازد. برقراری روابط صمیمانه در محیط های ورزشی مانند رویدادهای ورزشی، به سلامتی و بهزیستی افراد کمک می کند و باعث می شود سختی هایی که در کار وجود دارد، کم شود و فرد در یک رابطه حمایت کننده و مهرآمیز بدون ازدست دادن خود، در آن رابطه شرکت کنند.

ضرب همبستگی چندگانه بین متغیرهای هوش هیجانی، صمیمیت اجتماعی و سازگاری نشان می دهد که این ۳ متغیر رابطه خطی معنادار با یکدیگر دارند و بر یکدیگر تاثیر می گذارند. نتیجه این تحقیق با تحقیق فرقدانی (۱۳۸۳) در زمینه رابطه بین هوش هیجانی و صمیمیت، سازگاری و روابط اجتماعی همخوانی و همسویی دارد و همچنین نتایج این تحقیق با تحقیق خدایاری فرد و همکاران، (۱۳۹۰)، همخوانی دارد. در تحقیق آنان که در خصوص اثربخشی آموزش مولفه های هوش هیجانی بر سازگاری اجتماعی و صمیمیت اجتماعی در دانشجویان دانشگاه تهران بود. نتایج نشان داد که تفاوت معنادار میانگین دو گروه آزمایشی و افزایش هوش هیجانی و در نتیجه افزایش سازگاری اجتماعی کلی و برخ از ابعاد آن مثل مهارت های اجتماعی و روابط اجتماعی در گروه آزمایش بود. همچنین نتایج نشان داد که در گروه آزمایش گرایش ضد اجتماعی کاهش و صمیمیت اجتماعی افزایش یافته بود. همچنین تحقیق حاضر با نتایج شهنی ییلاق و همکاران، (۱۳۹۱) نیز در خصوص رابطه هوش هیجانی با صمیمیت و سازگاری اجتماعی همسو می باشد. می توان گفت این تحقیق و نتایج آن با پژوهش مارکوز و همکاران، (۲۰۰۶) و پژوهش پوتیا و سانگون (۲۰۰۲) و پژوهش ایشاک و همکاران (۲۰۱۱) در خصوص تاثیر هوش هیجانی بر روابط و صمیمیت اجتماعی پرداخته و نشان دادند که بین هوش هیجانی و روابط و صمیمیت اجتماعی رابطه معناداری مشاهده شده است، نیز مطابقت دارد.

از ۶ متغیر موجود در تحقیق تنها متغیر خودانگیختگی به عنوان عوامل ایجاد کننده سازگاری اجتماعی معنی دار نبودند و ۴ متغیر دیگر یعنی متغیرهای هوش هیجانی، خودآگاهی، خودتنظیمی، همدلی، مهارت های اجتماعی به عنوان عواملی که به عنوان عامل ایجاد کننده سازگاری اجتماعی معنادار بوده است و به تبیین ۰,۵۹ درصد تغییرات متغیر توسعه سازگاری اجتماعی می پردازند. ضریب بتا نیز نشان می دهد با یک واحد تغییر در انحراف معیار، انحراف معیار توسعه فناوری اطلاعات به اندازه ۰/۵۹ تغییر می کند. به عبارتی با بهبود و تقویت هوش هیجانی و شاخص های آن می توان به بهبود و پیشرفت سازگاری اجتماعی امید داشت.

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می دهد که با ورود کلیه متغیرها زمینه ای در این تحلیل رگرسیونی که شامل جنس، سن، وضعیت تاهل، مقطع تحصیلات می باشد، تنها وضعیت تاهل رابطه معناداری با متغیر وابسته تحقیق یعنی متغیر سازگاری اجتماعی نشان داده است.

همچنین در دستگاه رگرسیونی دوم، از ۶ متغیر موجود در تحقیق نیز تنها متغیر مهارت های اجتماعی به عنوان عوامل ایجاد کننده صمیمیت اجتماعی معنی دار نبودند و ۴ متغیر دیگر یعنی متغیرهای هوش هیجانی، خودتنظیمی، خودآگاهی، همدلی، خود انگیزگی به عنوان عوامل ایجاد کننده صمیمیت اجتماعی معنادار بوده است و به تبیین ۰٫۲۴ درصد تغییرات متغیر توسعه صمیمیت اجتماعی می پردازند. ضریب بتا نیز نشان می دهد با یک واحد تغییر در انحراف معیار ، انحراف معیار صمیمیت اجتماعی به اندازه ۰/۵۲ تغییر می کند. می توان گفت، با تقویت و افزایش هوش هیجانی و شاخص های آن می توان به بهبود و پیشرفت صمیمیت اجتماعی امید داشت. همچنین مشخص شد که، با ورود کلیه متغیرها زمینه ای در این تحلیل رگرسیونی که شامل جنس، سن، وضعیت تاهل، مقطع تحصیلات، وضعیت اشتغال و سابقه داوطلبی می باشد، تنها متغیر سن رابطه معناداری با متغیر وابسته تحقیق یعنی صمیمیت اجتماعی نشان داده است.

صمیمیت اجتماعی در واقع تمایل فرد برای شرکت در یک رابطه حمایت کننده و مهرآمیز بدون از دست دادن خود در آن رابطه است. افراد با هوش هیجانی بالا سازگاری بهتری با محیط اجتماعی برقرار می کنند [۱۷]. توانمندی ها و شایستگی های اجتماعی و هیجانی، از عوامل تعیین کننده و تاثیرگذار بر کیفیت روابط اجتماعی به شمار می آید. برنامه های مداخله ای در سازمان ها بر شایستگی های هیجانی تاکید می کند مانند برنامه های ارتقای راه بردهای تفکر، نشان می دهد که آموزش مهارت های هیجانی بر سازش اجتماعی موثر است. هوش هیجانی عبارت است از ظرفیت ادراک، ابراز، شناخت، کاربرد و اداره ی هیجان ها در خود و دیگران است [۴۱]. پژوهش های انجام شده در زمینه ی رابطه ی هوش هیجانی با مولفه های سلامت روانی نشان داده است که این سازه با سلامت روانی، شناسایی محتوای هیجان ها و توان همدلی با دیگران، سازش اجتماعی و هیجانی همبستگی مثبت [۳۶] و با اختلال های روان شناسی همبستگی منفی دارد. نتایج پژوهش ها نشان می دهد که هوش هیجانی با مشکلات بین شخصی و مشکلات مربوط به قاطعیت، مردم آمیزی، صمیمیت و مسئولیت پذیری همبستگی منفی معنادار دارد. این یافته ها همچنین نشان می دهد که هوش هیجانی می تواند تغییرات معنادار مرتبط به مشکلات بین شخصی را پیش بینی می کند. طبق نظر محققین هوش هیجانی با تامین سلامت روانی، مشکلات بین شخصی را کاهش می دهد و باعث بهبود بر کیفیت روابط اجتماعی فرد می شود [۳۸]. هوش هیجانی با میزان توانایی فرد در ابراز همدلی با دیگران رابطه دارد. توان همدلی با دیگران به ویژه به فرد کمک می کند تا در ابعاد مردم آمیزی و صمیمیت در حوزه ی روابط اجتماعی کارکردی موفق تر داشته باشند. بر این اساس، هوش هیجانی از راه همدلی ، مشکلات بین شخصی را کاهش می دهد و باعث بهبود در کیفیت روابط اجتماعی می شود [۳۵]. همچنین بیان شده است که بین هوش هیجانی با سازش اجتماعی و هیجانی همبستگی مثبت دارد. [۴۱]. سازش اجتماعی و سازش هیجانی بازه ی گسترده ای از شبکه روابط اجتماعی را در بر می گیرد و هر یک از مولفه ها می تواند واسطه هایی مثبت و موثر برای بهبود روابط اجتماعی به شمار آید. هوش هیجانی با تقویت این میانجی ها، یعنی با افزایش بهزیستی هیجانی و گسترش دامنه ی سازش اجتماعی و هیجانی بر کاهش مشکلات بین شخصی و در پی آن بهبود کیفیت روابط اجتماعی تاثیر می گذارد. میانجی های یادشده همچنین بسترهایی مناسب را برای افزایش و بهبود وضعیت اجتماعی فرد در زمینه های قاطعیت، مردم آمیزی، صمیمیت و مسئولیت پذیری فراهم می سازد. بنا بر یافته های پالمر و همکاران، (۲۰۰۲)، رضایت از زنده گی نیز از دستاوردهای ارزشمند، هوش هیجانی است. هوش هیجانی با افزایش رضایت از زنده گی وضعیت اجتماعی فرد را در زمینه های قاطعیت، مردم آمیزی، صمیمیت و مسئولیت پذیری بهبود می بخشد و باعث کاهش مشکلات بین شخصی و ارتقای کیفیت روابط اجتماعی می شود.

تنظیم، به کارگیری و ارزیابی هیجان ها، سه مولفه ی اصلی هوش هیجانی به شمار می آید [۲۵]. در الگوی بازنگری شده ی هوش هیجانی، چهار مولفه ی ادراک هیجانی، اسان سازی هیجانی، شناخت هیجانی و مدیریت (مهار) اجتماعی را برای این سازه مشخص کردند. توانایی های بنیادین فرد برای ثبت محرک های هیجانی در خود و دیگران، ادراک هیجانی نامیده می شود. این مولفه با فرایندهای ارتباطی هیجانی و همدلی رابطه دارد. بنا بر این تعریف، هر چه سطح هوش هیجانی فرد بالاتر باشد، ادراک هیجانی وی نیز افزایش می یابد. این سطح از ادراک، با افزایش قدرت ارزیابی ای حرک های محیطی و بالابردن توان برقراری روابط اجتماعی و ابراز هم دلی، کنش ورزی سازش یافته ی فرد را افزایش می دهد. این وضعیت زمینه های درون روانی لازم را برای برقراری روابط اجتماعی موفق تر و سالم تر فراهم می سازد [۳۱]. محققین در یافته های خود در خصوص تاثیر هوش هیجانی بر روابط اجتماعی گزارش دادند که افزون بر ویژگی آسان سازی هیجانی، با تغییرات مثبت

رفتاری، به سازش بهتر فرد با محیط و محرک های محیطی کمک می کند. این سازش یافته گی نیز به نوبه ی خود به صورت مستقیم بر بهبود کیفیت روابط اجتماعی فرد تاثیر می گذارد. هوش هیجانی با سازوکارهای پیش بینی، کنترل و راهبردهای رویارویی کارآمد به کاهش مشکلات بین شخصی و بهبود کیفیت روابط اجتماعی فرد کمک می کند[۲۲].

افزون بر این، هوش هیجانی نیز تحت تأثیر محیط پرورشی قرار دارد. شواهد حاکی است که حداقل بخشی از هوش هیجانی پایین ناشی از اختلال در روابط اولیه ی مادر-کودک (یا مراقبین) است که بر تحول سیستم های شناختی و عصبی درگیر در پردازش اطلاعات هیجانی اثر می گذارد. نحوه ی تعاملات هیجانی مادر-کودک بر بخش هایی از مغز که درگیر تنظیم هیجانات است تأثیر می گذارد و ممکن است هوش هیجانی پایین نتیجه ی آسیب های روانی از جمله محرومیت های هیجانی و بی توجهی والدین باشد که ریسک برخی از ساختارهای مغز و ظرفیت های ذهنی مرتبط با پردازش هیجانی را مختل می سازد[۲۶]. هوش هیجانی به توانایی شناسایی و تشخیص مفاهیم و معانی هیجان ها، روابط بین آنها، استدلال کردن و حل مسأله اشاره دارد. افراد با هوش هیجانی بالا در مواجهه با وقایع استرس آمیز از توان مقابله مؤثرتر برخوردارند، زیرا هیجانات خود را دقیق تر درک و ارزیابی می کنند؛ می دانند چه موقع و به چه نحوی احساساتشان را بروز دهند و می توانند به طور مؤثری حالات خلقی خود را تنظیم نمایند [۳۵].

هم چنین نشان داده شد که از بین مؤلفه های هوش هیجانی، ادراک هیجانی نقش مهم تری در تبیین خودکارآمدی دارد. این یافته بیانگر آن است، فردی که از درک هیجانی بالایی برخوردار است، رابطه ی مناسب تری با دیگران برقرار می سازد و متقابلاً حمایت های آنها را فراخوانده و احساس کارآمدی بیشتری می نماید. افرادی که از درک دقیق هیجانات خود و دیگران عاجزند، سازگاری اجتماعی ضعیفی دارند که این امر به نوبه ی خود موجب کاهش حمایت های اجتماعی و احساس کارآمدی می شود[۲۸]. یکی از عوامل افزایش خودکارآمدی تشویق و تأیید دیگران است. به بیانی دیگر، افرادی که توانایی درک و تنظیم هیجان های خود و دیگران را دارند، می توانند شبکه های حمایت اجتماعی محکم تری بنا کنند و به تبع آن احساس توانمندی بیشتری نمایند. در مقابل، افراد با هوش هیجانی پایین، از توانایی تشخیص و سازگاری با احساسات دیگران که لازمه ی روابط بین فردی مؤثر است، بی بهره اند. این افراد در مواقع درماندگی به جای گفتگو و مذاکره، گرایش به عمل دارند[۱۰].

در پژوهش ها نیز مشاهده شده است که مؤلفه ی خوش بینی در هوش هیجانی، رابطه ی خودکارآمدی و حمایت و سازگاری اجتماعی با جنبه های مختلف بهزیستی روانی را تعدیل نموده و باعث گسترش استفاده از راهبردهای مقابله ای مسأله مدار و تنظیم هیجانات می گردد. هوش هیجانی بالا، با درگیری کمتر در رفتارهای ضد اجتماعی کاهش سوء مصرف مواد، سازگاری شغلی و روابط انسانی رضایت بخش مرتبط است[۳۹]. از سوی دیگر، اضطراب شدید موجب افت عملکرد شده و در پی آن احساس خودکارآمدی کاهش می یابد. از این روی، فردی که از هوش هیجانی بالایی برخوردار است، در مواقع لزوم احساساتش را کنترل و به نحو مطلوبی با مسائل روبرو می شود. شاید به همین جهت برخی از محققین دو نوع هوش هیجانی را از نظر مفهومی متمایز کرده اند[۷].

همچنین در پژوهش ها مشاهده شده است که مؤلفه ی خوش بینی در هوش هیجانی، رابطه ی خودکارآمدی و حمایت و سازگاری اجتماعی با جنبه های مختلف بهزیستی روانی را تعدیل نموده و باعث گسترش استفاده از راهبردهای مقابله ای مسأله مدار و تنظیم هیجانات می گردد[۲۳]. محیطی که داوطلبین ورزشی برای ارائه خدمات در آن حضور می یابند، محیطی پرهیجان و سرشار از اتفاقات پیش بینی نشده است به این معنی که داوطلب با متغیر های زیادی در محیط کار مواجه است و ارتباطات و تعاملات بسیار زیادی وجود دارد. این افراد به لحاظ سازمانی منبع قدرت خاصی ندارند و به نظر می آید منبع قدرت آنان، قدرت ناشی از تخصص باشد. به همین دلیل برای اینکه بتوانند در ارائه خدمات خود موفق باشند و به سازمان در دستیابی به اهداف سازمانی یاری رسانند همانگونه که یافته های تحقیق حاضر نیز نشان داد، هوش هیجانی بالای داوطلبین می تواند بر سازگاری و صمیمیت اجتماعی آنان تاثیر مثبت داشته باشد. بنابراین داوطلبین هنگامی که توانایی ادراک محیط را داشته و ارزیابی درستی از محیط انجام دهند، با داشتن هوش هیجانی بالا، به سازگاری و صمیمیت اجتماعی مطلوبی دست خواهند یافت و می توانند در تعاملات و ارتباطات موفق بوده و خدمات مطلوبی ارائه دهند. با توجه به تاثیرات مثبت هوش هیجانی بالا توصیه می شود کهسازمان های مربوط به نهضت داوطلبی و یا فدراسیون های ورزشی ملی، قاره ای، جهانی و کمیته بین المللی المپیک که نیازمند خدمات مفید و اثربخش این داوطلبین می باشند، به طور منظم دوره های توانمند سازی و دانش افزایی در ارتباط با هوش هیجانی برای داوطلبین حوزه های خود برگزار نمایند و اقدامات لازم را برای افزایش هوش هیجانی این منبع مهم سازمانی فراهم نمایند.

منابع

- رضاپور، ی.، شالچی، ب.، دادخواه، م و زینی وند، ی. ۱۳۹۴. "نقش هوش هیجانی و هوش معنوی در تبیین حالت های هیجانی منفی". مجله روانشناسی و دین، سال هشتم، شماره سوم، صفحه ۱۱۳-۱۲۸.
- قاسمی نژاد، ا. ۱۳۸۱. "بررسی رابطه جوسازمانی با استرس شغلی و رضایت شغلی". پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه اصفهان.
- میمندی نژاد، م. ۱۳۷۸. "رابطه بین منبع اقتدار مورد استفاده مدیران مراکز آموزشی استثنایی شهر مشهد و رضایت شغلی معلمان آنان از دیدگاه معلمان". پایان نامه کارشناسی ارشد مشهد. مرکز مدیریت دولتی.
- اندام، ر.، همتی نژاد، م. ع.، حمیدی، م.، رضانی نژاد، ر.، کاظم نژاد، ا. ۱۳۸۸. "بررسی موانع داوطلبی در انجمنهای ورزشی دانشگاه ها". نشریه مدیریت ورزشی، شماره ۲، صص: ۳۵-۴۹.
- Nelis, D., Quoidbach, J., Mikolajczak, M., and Hansenne, M. (2009). "Increasing emotional intelligence: (How) is it possible?". *Personality and Individual Differences*. Vol. 47, No.1, P: 36-41.
- پارسا، ن. ۱۳۸۳. "هوش هیجانی". چاپ سوم، انتشارات رشد، تهران.
- Estrella Esturgo-Deu, M. and Josefina, S. (2009). "Disruptive behavior of students in primary education and emotional intelligence". *Teaching and teacher education*, Volume 26, Issue 4, P. 830-837.
- فرقانی، آ. ۱۳۸۳. "بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر دوره کارشناسی". دانشگاه علامه طباطبائی. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- قدم، ا. نیک بخت، ا. نیک نشان، ش. سیادت، س. ع. ۱۳۸۷. "بررسی رابطه هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان". نشریه علوم تربیتی و روان شناسی، دوره ۸. شماره ۵، صص ۹۹-۱۱۲.
- Siu, Angela F.Y, (2009). "Trait emotional intelligence and its relationships with problem behavior in Hong Kong adolescents". *Personality Individual Different*, Vol. 47, p. 553-557.
- صبری، م؛ البرزی، م؛ بهرامی، م. ۱۳۹۲. "رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش آموزان دبیرستانی متوسط شهر شیراز". نشریه اندیشه های نوین تربیتی. شماره ۳۴. صص ۳۵ تا ۶۴.
- یارمحمدیان، ا و شرفی راد، ح. ۱۳۹۰. "تحلیل رابطه ی بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی در نوجوانان". مجله جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی (۴۴)، شماره ۴. صص ۳۵-۵۰.
- منصوری، ب. ۱۳۸۱. "هنجاریابی پرسشنامه هوش هیجانی سبیریا شرینگ در بین دانشجویان دانشگاه تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- میکائیلی، ف، امام زاده، ز. ۱۳۸۷. "بررسی رابطه هوش هیجانی-اجتماعی و سازگاری اجتماعی در دانشجویان دارای حکم انضباطی و مقایسه آن با دانشجویان بدون حکم". دانشگاه ارومیه، فصلنامه روانشناسی، دوره ۹، شماره ۵. صص ۲۳-۳۵.
- ثنایی، ب ۱۳۸۷. "مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج". انتشارات بعثت، تهران.
- خدایاری فرد، م.، چشمه نوشی، م.، رحیمی نژاد، ع و فراهانی، ح. ۱۳۹۰. "اثربخشی آموزش مولفه های هوش هیجانی بر سازگاری اجتماعی و صمیمت اجتماعی". مجله روان شناسی، سال پانزدهم، شماره ۴. صص ۱۷-۳۳.
- رضویان شاد، م. ۱۳۸۴. "رابطه هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز.

شهینی ییلاق، م.، مجیدی، ر و حقیقی مبارکه، ج. ۱۳۹۱. "رابطه علی هوش کلی و هوش هیجانی با عملکرد تحصیلی با میانجیگری اضطراب امتحان و سازگاری در دانش آموزان سال اول دبیرستان های دولتی شهرستان بجنورد"، معاونت آموزشی و یادگیری، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۷۵-۱۰۴.

یارمحمدزاده، پ، و داداش زاده، م. ۱۳۹۴. "بررسی نقش هوش هیجانی و فرهنگی و سرمایه اجتماعی در سازگاری شغلی معلمان، آزمون نقش میانجی سرمایه اجتماعی". مجله رویکردهای نوین آموزشی. دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۴۱-۶۶.

طالبی، ب.، همتی، ا. حاجی نظری، ی. ۱۳۹۳. "بررسی رابطه هوش هیجانی با عملکرد آموزشی دانش آموزان پایه هفتم منطقه انزل شهرستان ارومیه در سال تحصیلی ۹۴-۹۳". کنفرانس بین المللی توسعه و تعالی کسب و کار. تهران.

Alegre, A. (2011). Parenting Styles and Children's Emotional intelligence: What Do We Know? Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families, Vol. 19, N. 1, 56-62.

Cherry, M. G., Fletcher, O., and O'sullivan, H. (2013). "Exploring the relationships among attachment, emotional intelligence and communication". Medical Education, Vol.47, No.1, P: 317-325

Ishak, N. A., daitawi, M. T., Ibrahim, Y. S., and Mustafa, F. T. (2011). "Moderating effect of gender mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic and statistical consideration". Journal of Personality and Social Psychology, Vol, 51, No. 10. P: 1173-1182.

Browen, K. L., Morgan, J. E., Moore, S. C. and van Goozen, S. H. (2014). "Young offenders' emotion recognition dysfunction across emotion intensities: Explaining variation using psychopathic traits, conduct disorder and offense severity." Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment, Vol.36, No.1. P: 60-73. <http://dx.doi.org/10.1007/s10862-013-9368-z>.

Mayer, j.d., Caruso, d.r. and salovey, p. (2000). "emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence"., Vol. 27, No. 3, P.267-269.

Salovey, P., Mayer, J. D., and Caruso, D. (2002). "The positive psychology of emotional intelligence. In C. R. Snyder, & S. J. Lopez (Eds.)", Handbook of Positive Psychology (pp. 159-171). Oxford: Oxford University Press.

شهنام. ا. ۱۳۹۴. "رابطه سبک های فرزند پروری ادراک شده و هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی در دانش آموزان پسر". فصلنامه مددکاری اجتماعی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۷-۲۶.

حاجی حیدری، م. ۱۳۹۴. "بررسی رابطه هوش هیجانی و سبک های مدیریتی". همایش مدیریت هوش هیجانی در مدرسه. آموزش و پرورش منطقه یک تهران.

Hayes, J., and Reilly, G. O. (2013). "Psychiatric disorder, IQ, and emotional intelligence among adolescent detainees: A comparative study". Legal and Criminological Psychology, vol.18, No.1, P 30-47. <http://dx.doi.org/10.1111/j.2044-8333.2011.02027.x>.

Khledian, M., Garosi. M. r., Khiarkhah, Z., and Ghalandari.S. (2013). "The relationship between attachment lifestyle with depression, hopefulness and emotional intelligence". Open Journal of social science research. Vol. 1 no.2., p 15-21.

Golmeman, D (1995). " Emotional intelligence", NEWYORK: Bankom Books.

عبدالهی، م.، پیرزاد، ع.ا.، روانبخش، م.ع.، شیرکوند، ن. و عاشوری، ج. ۱۳۹۵. "رابطه سبک های مدیریتی و سرمایه اجتماعی با سازگاری اجتماعی مدیران"، مجله روان شناسی اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص ۱-۱۲.

Kwang-Ho Lee, and Sunghyup S. H. (2016). "A model of behavioral intentions to follow online travel advice based on social and emotional loneliness scales in the context of online travel communities: The moderating role of emotional expressivity". *Tourism Management*. Vol. 48. No. 3, p 426-438.

Milojević, Sonja., Ana Altaras Dimitrijević b, Zorana Jolić Marjanović b, and, Aleksandar Dimitrijević. (2016). "Bad past, gloomy future: The trait emotional intelligence profile of juvenile offenders". *Personality and Individual Differences*." Vol. 94 , No. 2. P 295–298.

Bowen, K. L., Morgan, J. E., Moore, S. C., and van Goozen, S. H. (2014). "Young offenders' emotion recognition dysfunction across emotion intensities: Explaining variation using psychopathic traits, conduct disorder and offense severity". *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, Vol. 36, No. 3, P 60–73. <http://dx.doi.org/10.1007/s10862-013-9368-z>.

Lueg, J. E., and Finney, R. Z. (2007). "Interpersonal communication in the consumer socialization process: scale development and validation. *The Journal of Marketing Theory and Practice*, 15(1), 25e39.

McNulty, J.P. S.J. Mackay, S.J. Lewis, S. Lane, and P. White. (2016). An international study of emotional intelligence in first year radiography students: The relationship to age, gender and culture. *Radiography* 22 (2016) 171e176

Cherry, M. G., Fletcher, O., and O'sullivan, H. (2013). Exploring the relationships among attachment, emotional intelligence and communication. *Medical Education*, 47 (3), 317-325

Kusche, C. A., and Greenberg, M. T. (2001). PATHS in your classroom: Promoting emotional literacy and alleviating emotional distress. In J. Cohen (Ed.), *Social-Emotional Learning and the Elementary School Child: A Guide for Educators* (pp. 140-161). New York: Teacher College Press.